



فاجعه‌ی نوار غزه، لکه‌ی ننگ بر چهره بشریت در قرن بیست و یکم

طبق آمار وزارت بهداشت غزه، آمار کشته‌شدگان فلسطینی تاکنون به ۵۴ هزار و ۷۷۲ نفر و آمار مجروحان به ۱۲۵ هزار و ۸۳۴ نفر رسیده است. هرچند آمار واقعی هنوز بیش از این تعداد است، چرا که با احتساب افزایش حملات نظامی ارتش جنایتکار اسرائیل از ژانویه تا ژوئن سال جاری، بر آمار کشته‌شدگان افزوده شده است. بر اساس آخرین گزارش‌های وزارت بهداشت غزه، در ظرف ۲۴ ساعت، حداقل ۹۵ نفر از جمله زنان و کودکان در حملات هوایی اسرائیل جان خود را از دست داده‌اند. تنها در ۸ ژوئن، طی حملات شدید اسرائیل به نوار غزه، در منطقه صبرا حداقل ۱۶ نفر کشته و بیش از ۵۰ نفر زخمی شده‌اند. همچنین در کل روز ۸۴ غیرنظامی دیگر نیز در حملات مشابه جان خود را از دست داده‌اند.

حملات اسرائیل به فلسطینی‌ها محدود به مناطق به ادعای اسرائیل "جنگی" محدود نمی‌شود، بلکه حتا در مناطقی که اسرائیل "منطقه امن بشردوستانه" اعلام کرده است، حملات وحشیانه ارتش اسرائیل به فلسطینی‌ها ادامه دارد. در ۳ ژوئن، در شهر رفح، دستکم ۲۷ نفر از جمله زنان و کودکان در صف‌های توزیع کمک‌های بشردوستانه هدف گلوله‌باران نیروهای اسرائیلی قرار گرفتند. در ۳ ژوئن ۲۰۲۵، در یک حادثه جداگانه، ۵۰ نفر از جمله یک کودک ۱۷ روزه در غزه کشته شدند.

به جز موارد متعدد گذشته، تنها همین حوادث اخیر، طبق حقوق بین‌الملل، نمونه‌ی بارز جنایت

در صفحه ۲

گزارش اکسیون ژنو در مقابل سازمان جهانی کار

همزمان با برگزاری اجلاس سالانه‌ی سازمان جهانی کار در ژنو، امسال نیز در تاریخ ۶ ژوئن اکسیونی اعتراضی با حضور ده‌ها نفر از فعالان سیاسی و کارگری، نمایندگان اتحادیه‌ها و نیز تعدادی از احزاب و سازمان‌ها در مقابل مقر این سازمان انجام شد. این اکسیون که به فراخوان و با تدارکات جمعی از فعالین کارگری تحت عنوان "کمیته سراسری برگزاری اکسیون اعتراضی در ژنو" صورت گرفت، حمایت‌های متعددی را از سوی اتحادیه‌های کارگری در سطح جهان و

در صفحه ۹

زن‌کشی؛ مهر پیشانی حکومت اسلامی

قتل پرابهام الهه حسین‌نژاد ۲۴ ساله جامعه را در شوک، خشم و اندوه فروبرد و به طور گسترده در رسانه‌ای اجتماعی بازتاب یافت. نه به این دلیل که قتل زنان در ایران پدیده‌ای است نادر، بلکه از آن رو که جامعه دیگر تحمل این حد از ناامنی و خشونت عیه زنان را ندارد. خیابان، محل کار، وسایل نقلیه و فضاهای عمومی کمترین امنیتی برای زنان ایجاد نمی‌کنند. از اوباش گشت حجاب و عفاف گرفته تا سارقان حرفه‌ای یا خرده پا تا بیریشه‌شدگان بیکار،

در صفحه ۳



پیشرفت های آشکار جنبش اعتصابی نگاهی به اعتصاب سراسری رانندگان کامیون



به دنبال فراخوان " اتحادیه تشکلهای کامیون‌داران و رانندگان سراسر ایران" مورخ ۲۴ اردیبهشت، اعتصاب یکپارچه رانندگان و کامیون‌داران از روز اول خرداد آغاز شد. به رغم توسل دولت به قهر و سرکوب و بازداشت ده‌ها تن از معترضان و تهدید خانواده‌ها و همچنین به رغم وعده‌های پوچ و سرخمن برای

در صفحه ۵

ادامه جنگ در اوکراین

باگذشت بیش از سه سال از جنگ قدرت‌های امپریالیست روسیه و ناتو بر سر اوکراین، این جنگ همچنان ادامه دارد. ادامه درگیری‌های نظامی در این سه سال به کشته و مصدوم شدن

در صفحه ۱۲

زورآزمایی در مذاکرات هسته ای

مذاکرات هسته ای ایران و آمریکا در موقعیت حساس و پیچیده ای قرار گرفته است. با گذشت هر روز، کشاکش طرفین در چانه زنی بر سر موضوع حذف یا ادامه غنی سازی اورانیوم در

در صفحه ۷

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست فراخوان به تجمع اعتراضی مقابل سازمان جهانی کار در ژنو ۶ ژوئن ۲۰۲۵

در صفحه ۴

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست:
بر علیه برنامه‌های مهاجر ستیزی جمهوری اسلامی
از حقوق انسانی شهروندان افغانستانی دفاع کنیم

در صفحه ۱۰

فاجعه‌ی نوار غزه، لکه‌ی ننگ بر چهره بشریت در قرن بیست و یکم

جنگی رژیم صهیونیست اسرائیل علیه فلسطینیان است. این حملات در حالی صورت می‌گیرند که اسرائیل نظام توزیع کمک‌های انسانی از جمله مواد غذایی را به شدت تحت کنترل گرفته است که این نیز از جمله جنایات جنگی محسوب می‌شود، زیرا طبق حقوق بین‌الملل، در مناطقی جنگی باید دسترسی بی‌طرفانه، بدون تبعیض و ایمن برای امدادگران و دریافت‌کنندگان فراهم شود.

در شرایط بحران انسانی گسترده‌ای که نوار غزه درگیر آن است، کنترل رژیم صهیونیستی بر نظام توزیع کمک‌های بشردوستانه، بیش از هر چیز، به ابزاری برای استمرار اشغال و سرکوب مردم فلسطین تبدیل شده است. این واقعیت تلخ را حتی سازمان ملل و گروه‌های امدادرسانی بارها اعلام کرده‌اند. "دیده‌بان حقوق بشر" و "عفو بین‌الملل" شروط تحمیلی به گروه‌های امداد را ناقض "استقلال بشردوستانه" اعلام کرده‌اند. سازمان ملل و سازمان "غذا و کشاورزی" ملل متحد نیز هشدار داده‌اند که اسرائیل از کمک‌های بشردوستانه برای فشار سیاسی و نظامی استفاده می‌کند. به گفته سازمان ملل، "صلیب سرخ" و "پزشکان بدون مرز" این نوع کنترل باعث ایجاد قحطی مصنوعی، نقض بی‌طرفی بشردوستانه در امدادرسانی و تبدیل امدادرسانی به ابزار جنگی شده است.

در نظام توزیع امدادرسانی تحت کنترل اسرائیل، امدادرسانی‌ها تنها از مسیرهای رسمی تحت کنترل ارتش اسرائیل بایستی انجام گیرد. این امر و بازرسی‌های ارتش اسرائیل منجر به تأخیرهای چند روزه می‌شود، از آن گذشته امدادرسانی، تنها در مناطق به اصطلاح "امن" از نظر اسرائیل مجاز است که آن نیز در مناطق تخلیه شده یا تحت اشغال نظامی اسرائیل قرار دارند. گرچه حملات اخیر ارتش اسرائیل به فلسطینی‌ها عدم امنیت در این مناطق را آشکارا نشان می‌دهد. از آن گذشته ارتش گاهی دستور مستقیم برای توقف توزیع، تخلیه منطقه یا تغییر محل سایت‌ها را صادر می‌کند. کنترل کامل بر امدادرسانی یعنی تعیین این که چه کالاهایی وارد شود، به چه میزان و به کدام بخش‌ها برسد. برغم هشدارهای مکرر نهادهای بین‌المللی، کنترل رژیم صهیونیستی بر کمک‌های بشردوستانه همچنان ادامه دارد و این موضوع به یکی از کلیدهای بقای اشغال و سیاست‌های آپارتاید اسرائیل تبدیل شده است.

در کنار حملات وحشیانه و مستقیم ارتش اسرائیل به ساکنان نوار غزه و کشتار آنان، رژیم اسرائیل با اعمال محاصره اقتصادی و محدودیت‌های شدید بر ورود کالاهای ضروری مانند غذا، دارو و تجهیزات پزشکی به غزه، سعی دارد شرایط زیستی فلسطینی‌ها را به حدی بحرانی سازد که توان مقاومت و پایداری خود را از دست بدهند. این سیاست، فارغ از توجیهات امنیتی، ابزاری برای ادامه سیاست‌های اشغال، پاکسازی جمعیتی و کنترل جمعیت فلسطینی است. پیامد این سیاست، قتل‌عام غیرنظامیان، از جمله کودکان و زنان، بر اثر گرسنگی و کمبود امکانات درمانی و در نتیجه ایجاد بحرانی انسانی است که مصداق

بارز جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت است. در نوامبر سال گذشته نیز، دیوان بین‌المللی لاهه حکم بازداشت بنیامین نتانیاهو و یوآو گالانت وزیر دفاع سابق این کشور را به اتهام ارتکاب "جنایت جنگی" و "جنایت علیه بشریت" صادر کرد.

بهانه رژیم اشغال‌گر و نژادپرست اسرائیل جهت اعمال کنترل بر توزیع امدادهای بشردوستانه، مشارکت تعدادی از کارکنان "آژانس امداد و کار سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی" در ژانویه ۲۰۲۴ همراه با خواست انحلال این آژانس بود. مأموریت این آژانس (تأسیس در سال ۱۹۴۹) ارائه خدمات آموزشی، درمانی، رفاهی و امدادی به آوارگان فلسطینی در غزه، کرانه باختری، لبنان، سوریه و اردن است و طبق آمار ۲۰۲۴ بیش از ۵ میلیون و ۹۰۰ هزار فلسطینی را تحت پوشش دارد. پس از اعلام اتهام از سوی دولت اسرائیل، برخی از کشورها کمک‌های خود به این آژانس را موقتاً تعطیل کردند. کمیسر این آژانس پس از تحقیقات اعلام کرد تنها برای ۹ نفر "شواهد ممکن" در نقش آن‌ها در حمله اکتبر تشخیص داده شده است که آنان نیز اخرج شده‌اند. در پی تحقیق یک هیئت بی‌طرف، این آژانس "نیازمند اصلاحات ساختاری و تقویت شفافیت" اما بدون تخلفات گسترده‌ای ارزیابی شد. پس از آن، تعدادی از کشورها ادامه کمک‌ها را از سر گرفتند. اما برخی از کشورها به این تعلیق ادامه دادند، از جمله آمریکا که با سالانه ۴۰۰ میلیون دلار بودجه رسمی، بزرگترین حامی این آژانس بود، پس از تصویب ممنوعیت بودجه تا مارس ۲۰۲۵، کمک رسمی را قطع کرد.

به جز کشتار فلسطینی‌ها از طریق گرسنگی و کمبود امکانات درمانی ارتش اسرائیل به کشتار به ویژه غیرنظامیان همچنان ادامه می‌دهد. بنا به داده‌های کمیسرین "لانسِت" (گروه تحقیقاتی و تحلیلی بین‌المللی تحت حمایت یکی از معتبرترین مجلات پزشکی جهان) بیش از ۵۹ درصد کشته‌شدگان فلسطینی را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند که با احتساب افزایش این تعداد پس از ماه مارس، تخمینی محتاطانه است. بر اساس گزارش "گاردین" از آغاز جنگ تاکنون تنها بیش از ۱۶ هزار و ۵۰۰ کودک کشته شده‌اند. بیشترین تلفات کودکان حتی در گروه‌های سنی ۱ تا ۵ سال و به بالا بوده است و بخشی از آن‌ها هنگام حمله به ساختمان‌ها، مدارس یا محل‌های تجمع غیرنظامی بوده است.

این آمار کشته‌شدگان مستقیم بر اثر حملات مستقیم نظامی است، اما در بحران انسانی موجود در نتیجه قحطی و گرسنگی و کمبودهای پزشکی برای درمان بیماران روشن نیست، چه تعداد دیگر از فلسطینیان جان خود را از دست داده‌اند. تنها در نیمه دوم ماه مه ۲۰۲۵، بیش از ۲۷۰۰ کودک زیر ۵ سال دچار سوءتغذیه حاد شناسایی شده‌اند.

در کنار کنترل امدادرسانی در غزه، رژیم اسرائیل حملات گسترده‌ای نیز به کرانه باختری انجام می‌دهد که هدف اصلی آن سرکوب مقاومت و تثبیت حضور شهرکنشینان در این مناطق است. این حملات همراه با تخریب خانه‌ها،

بازداشت‌های گسترده، کشتار غیرنظامیان و گسترش شهرک‌سازی‌های غیرقانونی است. تاکنون حدود ۹۳۲ نفر کشته شده‌اند که ۱۹۶ نفر از آنان کودک بوده‌اند. گزارش‌ها همچنین حاکی از مجروحیت صدها نفر و دستگیری ۱۴۵۰ فلسطینی توسط نیروهای اسرائیلی است. گذشته از آن ۴۰ هزار فلسطینی آواره شده‌اند.

در سال ۲۰۲۴ دولت اشغال‌گر اسرائیل ۵ / ۴۴ درصد مساحت کرانه باختری را تحت کنترل خود درآورده است که شامل شهرک‌ها، ایجاد مناطق نظامی و اراضی تصرف شده است. نتانیاهو و کابینه نژادپرست اسرائیل با این اقدامات درصدد است فضای ترس و ناامنی را در کرانه باختری تشدید کرده و مانع شکل‌گیری هرگونه انسجام سیاسی و اجتماعی فلسطینی‌ها شود. افزایش خشونت و ناامنی، زمینه‌ساز مهاجرت اجباری و تغییر ترکیب جمعیتی منطقه است که به عنوان بخشی از پروژه "طرح‌های امنیتی" و "تعمیق اشغال" تعبیر می‌شود. در سال ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵، تعداد مجوزهای شهرک‌سازی در کرانه باختری نسبت به سال‌های قبل افزایش یافته است. برخی گزارش‌ها از آغاز پروژه‌های جدید ساخت و ساز در مناطق حساس مانند "ارواح" و "العیص" حکایت دارند که موقعیت جغرافیایی‌شان می‌تواند به تحکیم حضور اسرائیل در مناطق کلیدی کرانه کمک کند. شهرک سازی‌ها همراه با تخریب و مصادره خانه‌های فلسطینیان، محدودیت در حرکت و دسترسی و فعالیت‌های کشاورزی و تجاری، فقر و بیکاری و در نتیجه وابستگی بیشتر فلسطینی‌ها به کمک‌های خارجی برای تأمین نیازهای اولیه خود است.

در جنگ کنونی، گرچه دولت اسرائیل اعلام می‌کند هدف اصلی از جنگ، "مبارزه با حماس و تأمین امنیت شهروندان اسرائیلی است" اما در عمل اهداف دیگری مانند کنترل سیاسی، تغییر معادلات منطقه‌ای و درهم‌شکستن مقاومت فلسطینیان و اشغال دائمی مناطق فلسطینی‌نشین را دنبال می‌کند. در این میان، هرچند نهادهای بین‌المللی و حقوق بشری بارها درباره "جنایت علیه بشریت" از سوی اسرائیل هشدار داده‌اند و اقدامات این کشور را محکوم کرده‌اند، اما تأثیر به سزایی در پیشگیری از اقدامات جنایتکارانه اسرائیل برجای نگذاشته است. کشورهای عربی نیز با اعمال فشارهای دیپلماتیک و بین‌المللی و ارسال کمک‌های بشردوستانه و تلاش برای میانجی‌گری جهت برقراری آتش‌بس و پایان جنگ اقداماتی انجام داده‌اند، اما این اقدامات به‌ویژه از سوی برخی کشورها که با اسرائیل روابط سیاسی برقرار کرده‌اند، و اختلافات سیاسی میان خود، به رغم فشار افکار عمومی این کشورها، بسیار محافظه‌کارانه بوده است. از سوی دولت‌های اروپایی نیز به رغم مخالفت رو به گسترش افکار عمومی، به جز هشدار و محکومیت جنایت‌های اسرائیل علیه فلسطینیان اقدامی مؤثر انجام نگرفته است. در این میان، اما، افکار عمومی اروپایی‌ها نسبت به اسرائیل و فلسطینیان نسبت به زمان آغاز جنگ تفاوتی در صفحه ۸

زن‌کشی؛ مهر پیشانی حکومت اسلامی

معتادان یا مجرمان سابقه‌دار در کمین‌اند. و زنی که از این فضاها عبور کرده و سلامت به خانه بازگردد با خطر دیگری مواجه است: ضرب‌وجرح، تجاوز و قتل به دست همسر، پدر، برادران یا دیگر مردان فامیل.

الهه حسین‌نژاد ۲۴ ساله ساکن اسلامشهر روز چهارم خردادماه به مقصد خانه از میدان آزادی سوار یک خودرو شد. اندکی بعد گوشی تلفن همراهش خاموش شد. پس از ۱۱ روز اعلام شد جسد خونین‌اش در بیابان‌های اطراف فرودگاه خمینی پیدا شده است. نیروی انتظامی می‌گوید هیچ فیلمی از حادثه در اختیار ندارد. جنازه او هم نه توسط پلیس که از سوی یک عابر کشف شده است. پیمان حاج‌محمودعطار، حقوق‌دان در این باره می‌پرسد: «جنازه او پس از گذشت چندروز و به‌صورت تصادفی توسط یکی از شهروندان شناسایی شده، آیا جنازه‌های مجهول‌الهویه یا جنازه‌ای که از چندروز قبل تمام مقامات رسمی به دنبال شناسایی زنده یا مرده او بودند، باید توسط یک شهروند رهگذر پیدا شود؟ آیا نیروی انتظامی آن مناطق در گشت‌های شبانه‌روزی برای پیدا کردن زنده یا مرده این خانم، به وظیفه خود عمل کرده‌اند؟»

خبرها ضد و نقیض‌اند. رییس پلیس آگاهی تهران بزرگ می‌گوید راننده می‌خواست تلفن همراه الهه را بدزد و با او درگیر شده. مرکز رسانه قوه قضائیه اعلام کرده «راننده سمند قصد و نیت شومی داشته است که به دلیل مقاومت وی با وارد آوردن دو ضربه چاقو به قفسه سینه او را به قتل رسانده و پیکر او را بین بیابان‌های اطراف تهران رها می‌کند.» و پزشکی قانونی تکذیب می‌کند.

دروغ و پنهان‌کاری با اعمال فشار بر خانواده داغدار الهه حسین‌نژاد تا مقابل دوربین صدا و سیما روایت دولتی را تکرار کنند و خواستار اشد مجازات (اعدام) برای قاتل شوند؛ قتلی دیگر برای پوشاندن ریشه‌های زن‌کشی، برای پاک کردن صورت مساله و برای این که آسیاب خونریزی نظام اسلامی بگردد. گویا می‌شود با اعدام قاتل، الهه را زنده کرد.

زن‌کشی

خشونت علیه زنان در نظام سرمایه‌داری نهادینه است و ابعاد مختلفی دارد. از نابرابری جنسیتی و استثمار دوگانه زنان آغاز می‌شود و در شدیدترین شکل خود به زن‌کشی و «قتل‌های ناموسی» می‌انجامد.

بر اساس گزارش‌های سازمان جهانی بهداشت، حدود یک‌سوم زنان در سراسر جهان در طول زندگی خود حداقل یک‌بار قربانی خشونت فیزیکی یا جنسی توسط شریک زندگی خود می‌شوند. این آمار نشان‌دهنده ابعاد گسترده و جهانی این معضل است که در تمامی کشورها و فرهنگ‌ها وجود دارد.

در سطح جهانی، سالانه میلیون‌ها زن در معرض خشونت خانگی قرار می‌گیرند. این خشونت‌ها می‌توانند شامل ضرب‌وشتم، تجاوز، تهدید، آزار روانی و کنترل‌های اقتصادی باشند.

عوامل متعددی مانند نابرابری‌های جنسیتی، فقر، دسترسی محدود به خدمات حمایتی، و هنجارهای فرهنگی می‌توانند به افزایش خشونت علیه زنان در خانواده‌ها منجر شوند.

تخمین‌های جهانی نشان می‌دهند که سالانه حدود ۴۷ هزار زن در سراسر جهان به‌طور مستقیم توسط شریک زندگی یا اعضای خانواده خود کشته می‌شوند. این آمار تحت عنوان قتل‌های جنسیتی یا زن‌کشی (فی‌موساید) شناخته می‌شود. ۶۰ درصد قتل‌ها در آسیا و اقیانوسیه و ۳۸ درصد در اروپا، آمریکا، آفریقا و خاورمیانه روی می‌دهد.

زن‌کشی در ایران

زن‌کشی منحصر به ایران نیست. اما موارد آن در ایران تکانه‌دهنده است و این نیز نه اتفاق بلکه نتیجه حاکمیت خشن رژیم مذهبی، بر بستر نظام سرمایه‌داری که خشونت بر زنان و استثمار را بازتولید می‌کند، فقر، نبود چشم‌انداز و از هم‌پاشیدگی شیرازه‌های اجتماع است.

زن در ایران نیمه انسان تلقی می‌شود. زن‌کشی در ایران بی‌هزینه و اغلب بدون پیگرد جدی قانونی است و قوانین فقهی مردسالار آن را مشروع و قانونی جلوه می‌دهند. قانون مجازات اسلامی با تعیین دیه و مجازات قتل زن به میزان نصف مرد، با باز گذاشتن دست مردان در کشتن همسر و با چشم‌پوشی از قتل فرزندان به دست پدر به‌طور ضمنی مجوز خشونت علیه زنان را به مردان می‌دهد.

آمار رسمی از زن‌کشی وجود ندارد و آنچه در رسانه‌ها انعکاس می‌یابد صرفاً نوک کوه یخ است. اما گزارش‌های غیررسمی و تحقیقات نشان می‌دهند که موارد زن‌کشی و خشونت‌های خانگی در سال‌های اخیر افزایش یافته است.

سالانه صدها زن قربانی زن‌کشی در درون خانواده می‌شوند. سال ۱۴۰۳ از این قاعده مستثنی نبود. در سال ۱۴۰۴، تنها در هفته‌ای آخر فروردین خبر قتل ۸ زن به دست نزدیکانشان به رسانه‌ها راه یافته است. بیشتر آنها به‌دست نزدیکان مانند همسر، پدر یا برادر قربانیان صورت گرفته‌اند. این قتل‌ها عمدتاً در پی اختلافات خانوادگی، مسائل «ناموسی» یا روابط شخصی رخ داده‌اند.

موارد گزارش‌شده از قتل زنان در هفته آخر فروردین ۱۴۰۴:

۲۳ فروردین، زن ۵۹ ساله‌ای در خمین توسط همسر ۶۶ ساله‌اش با شلیک گلوله کشته شد.
۲۴ فروردین، زن ۵۵ ساله‌ای در خمام گیلان توسط پسر ۳۱ ساله‌اش با جسم سخت به قتل رسید.
۲۵ فروردین، در اردبیل زنی توسط همسرش با شلیک گلوله در منزل کشته شد.
۲۶ فروردین، زنی ۳۷ ساله در محله گاندی تهران توسط مردی که خواستگارش بود، با ضربات متعدد چاقو به قتل رسید.
۲۸ فروردین، فاطمه سلطانی، دختر ۱۸ ساله، توسط پدرش در مقابل محل کارش در اسلامشهر

با ضربات متعدد چاقو به قتل رسید.
۲۸ فروردین، زنی ۴۸ ساله در فلاورجان اصفهان توسط همسرش در باغ شخصی‌شان با بستن دست و پایش و خفه‌کردن با چسب نواری کشته شد.

اواخر فروردین، زنی ۳۲ ساله به نام معصومه در تبریز توسط همسرش کشته شد.
۳۱ فروردین، سمیرا اکبری، ۳۵ ساله، در بردسکن خراسان رضوی توسط همسر سابقش با ضربات چاقو به قتل رسید.

در اردیبهشت ۱۴۰۴، ۲۷ مورد زن‌کشی درون خانواده از سوی کمپین «توقف قتل‌های ناموسی» ثبت شده است. در بیش از ۸۰ درصد موارد قاتل همسر، خواستار یا همسر سابق و در وهله بعد پدر و سایر مردان خانواده بوده است.

این قتل‌ها که اغلب به بهانه‌هایی چون سوءظن، «خیانت»، تصمیم به جدایی یا ترک خانه از سوی زن انجام و تحت عنوان «قتل ناموسی» طبقه‌بندی می‌شود، بیانگر حس مالکیت مردان بر بدن و حیات زنان است که توسط قانون و فرهنگ حاکم حمایت می‌شود.

یکی از زنان قربانی زن‌کشی در اردیبهشت فاطمه برخوردار، معلم سبزواری و مادر سه فرزند است که به دلیل خشونت‌های همسرش از او جدا زندگی می‌کرد و قصد طلاق داشت. او روز چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت، که در ملام به دست همسرش به قتل رسید. به گزارش «همنگاو»، وقتی فاطمه با دوستش از خودرو پیاده می‌شد، همسرش که او نیز از کارکنان آموزش و پرورش است از پشت به او یورش برد و با ضربات متعدد قمه، جانش را گرفت.

به نوشته‌ی شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان، فاطمه برخوردار بارها نسبت به رفتار خشونت‌آمیز همسرش به مقامات مسئول شکایت کرده و هشدار داده بود اما نه نهادهای دولتی و قضایی و نه آموزش و پرورش اقدامی انجام ندادند.

و این چرخه تکرار می‌شود.

زهرای بهروز آذر، معاون امور زنان و خانواده رییس جمهور در پاسخ به این سوال که آیا تضمینی وجود دارد تا دیگر شاهد وقوع قتل‌هایی مانند الهه حسین‌نژاد نباشیم، گفته است: «برای دختران ما هیچ تضمینی وجود ندارد که دیگر این اتفاق نیفتد. ... این موضوع تنها مسئله‌ای نیست که دولت بتواند به تنهایی آن را حل کند و نیازمند همت جمعی است.»

به واقع نیز چگونه می‌توان از حکومتی که خود سازمانده و پاسدار چرخه خشونت بر زنان است انتظار داشت به چنین فجایعی پایان دهد؟

قربانیان زن‌کشی بویژه زن‌کشی خانگی به واقع قربانی منفعل نیستند. آنان زنانی قوی هستند که در صفحه ۴



زن‌کشی؛ مهر پیشانی حکومت اسلامی

در برابر ستم و سرکوب قد برمی‌افرازند، در غیاب هرگونه حمایت حقوق و اجتماعی به طور فردی در مقابل خشونت می‌ایستند و بهای مقاومت را با جان خود می‌پردازند. اما زن‌کشی وحشیانه‌ترین شکل خشونت ساختاری بر زنان است و برای مبارزه با زن‌کشی شجاعت فردی کافی نیست. این امر مستلزم در هم شکستن ساختارهای سرکوبگر و آزادی کل جامعه است. خشونت بازتولید می‌شود و می‌تواند با تکرار در جامعه عادی‌سازی شود اما واکنش گسترده به قتل الهه حسین‌نژاد بیانگر این است که لااقل آشناری از جامعه رخوت در برابر خشونت زن‌کشی را پشت سر گذاشته‌اند. این نویددهنده همبستگی با قربانیان خشونت جنسیتی است که قهرمانانی تنه‌ایند.

اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان سراسر ایران در بیبیهای به مناسبت قتل الهه حسین‌نژاد به تاریخ ۱۷ خرداد نوشته است: «الهه، نه فقط نام یک دختر، که صدای خاموش‌شده‌ی هزاران وجدان بیدار در این سرزمین است.

سکوت در برابر این ظلم، خیانت به انسانیت است... و ما ساکت نخواهیم ماند. ما در کنار خانواده داغدار او ایستاده‌ایم، نه فقط با زبان، بلکه با دل؛ زیرا هر فریادی که برای عدالت بلند می‌شود، پژواک دردهای ما نیز هست. ما، کامیونداران ایران، اعلام می‌کنیم که درد خانواده الهه، درد ماست و از همه مردم آزاده ایران می‌خواهیم تا صدای این مظلومیت باشند. امروز الهه رفت، اما یاد او و خشم ما باقی است... تا روزی که نه فقط کامیونداران، بلکه تمام مردم ایران در سایه‌ی عدالت و امنیت زندگی کنند. درود بر تمام زنانی که فریاد حق‌خواهی‌شان خاموش نشد و درود بر مردمانی که با همدلی، ظلم را زمین‌گیر می‌کنند.»

در بیانیه کانون صنفی فرهنگیان مازندران مندرج در کانال تلگرامی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نیز چنین آمده است: «ما فرهنگیان به نمایندگی از تمام خانواده‌های ایرانی خواستار رسیدگی سریع به این پرونده و پرونده‌های دیگری هستیم که خانواده‌ها از ترس آبرویشان آن را علنی نکرده‌اند. ما خواهان جامعه‌ای امن برای فرزندان‌مان و ناامن برای قاتلان و متجاوزان هستیم. ما قوانینی می‌خواهیم که مانع از ارتکاب جرم شود و اگر جرمی اتفاق افتاد و خانواده‌ای دیگر عزادار شد، پیگیری آن تنها آب در هاون کوبیدن نباشد.»



شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست



فراخوان به تجمع اعتراضی مقابل سازمان جهانی کار در ژنو ۶ ژوئن ۲۰۲۵

کنفرانس سازمان جهانی کار در روزهای ۲ تا ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ در ژنو، یکصد و سیزدهمین اجلاس خود را برگزار میکند. این کنفرانس سالانه، فرصتی است که بار دیگر فعالین جنبش کارگری و نیروهای چپ و کمونیست، خواستها و مطالبات طبقه کارگر ایران را انعکاس داده تا صدای آنها باشند؛ سرکوب جنبش کارگری و بی حقوقی کارگران ایران از جمله ممنوعیت حق تشکل و اعتصاب را به گوش کارگران و تشکلهای کارگری سایر کشورهای جهان در اجلاس برسانند و همبستگی آنها را با مبارزه طبقه کارگر ایران جلب کنند.

در این اجلاس، رژیم جمهوری اسلامی هیتی را تحت عنوان «نمایندگان کارگران ایران» به این کنفرانس می‌فرستد که از سرکوبگران شناخته شده جنبش کارگری اند که در تمام حیات این رژیم ضد کارگری، ابتدایی‌ترین حقوق طبقه‌ی کارگر را در ایران سرکوب کرده اند. در حالیکه حق تشکلیابی مستقل، حق اعتصاب، دستمزد عادلانه، امنیت شغلی و دیگر حقوق پایه‌ای کارگران در ایران به‌طور سیستماتیک پایمال و دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر تحمیل می‌شود. در کنار این بی حقوقی، سرکوب کارگران از جمله ویژگی‌های بارز جمهوری اسلامی است. تا جاییکه اکنون ده‌ها فعال کارگری به‌خاطر فعالیت‌هایی که بر اساس مقوله‌نامه‌های خود سازمان جهانی کار حق مسلم کارگران است، در زندان‌های جمهوری اسلامی در شرایط غیرانسانی محبوس هستند.

برای ما بعنوان سازمانهای چپ و کمونیست، روشن است که سازمان جهانی کار، نهادهی است در چارچوب نظم سرمایه داری بین المللی، و این نهاد در راستای تثبیت مناسبات نابرابر موجود و تنظیم مناسبات کار و سرمایه عمل میکند. ما براین باوریم که رژیم سرمایه داری اسلامی در ایران، حتی به حداقل‌های مندرج در مقاله‌نامه‌های بین المللی این نهاد هم پایبند نیست. به این خاطر باید از این سازمان اخراج شود و بجای مزدوران و سرکوبگران جنبش کارگری، نمایندگان واقعی و مستقل کارگران ایران در این اجلاس‌های بین المللی، برای طرح مطالبات و خواسته‌های طبقه کارگر ایران حضور یابند.

تظاهرات ۶ ژوئن در مقابل سازمان جهانی کار، فرصتی است که فعالان کارگری و چپ و کمونیست، اعتراض خود را علیه همدستی نهادهایی چون سازمان جهانی کار با رژیم‌های ضدکارگری نظیر جمهوری اسلامی اعلام کرده، بر ضرورت مبارزه‌ی مستقل و انقلابی طبقه‌ی کارگر علیه کلیت نظم سرمایه‌داری و ابزارهای بین‌المللی‌اش تأکید کنند. در مقابل سکوت و مداخلات این نهاد در برابر نقض آشکار مقوله‌نامه‌هایش توسط جمهوری اسلامی، بایستند

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، از همه‌ی فعالان چپ و کمونیست، کارگری، نهادهای و سازمانهای مدافع حقوق انسانی می‌خواهد که در این تجمع اعتراضی با حضوری پرشور و گسترده شرکت کنند و صدای کارگران ایران، صدای فریاد قربانیان خاموش معدن تا بندر، صدای فریاد اعتصابگران سه‌شنبه‌های کارزار علیه اعدام، صدای خفه شده کارگران مهاجر افغانستانی، صدای انقلاب و راهی و برابری و آزادی باشند!

زنده باد همبستگی بین‌المللی طبقه‌ی کارگر
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
سرتگون باد رژیم سرمایه داری اسلامی

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

پیشرفت های آشکار جنبش اعتصابی نگاهی به اعتصاب سراسری رانندگان کامیون



راه و شهرسازی، سخنگوی دولت و امثال این ها همگی با یک رشته وعده پا به میدان گذاشتند. در همان حال اما افزون بر دستگیری ها، دادستانی فارس، و برخی نهادها و مقامات دولتی آشکارا تهدید کردند با اعتصابیون به سختی برخورد خواهد شد.

"اتحادیه کامیون داران و رانندگان سراسر ایران" اما در بیانیه ها و موضع گیری های دقیق و به موقع خود، وعده های قلابی برای فریب و وقت کشی دولت را افشا و خطاب به فریبکاران اعلام کرد؛ ما فریب این وعده ها را نمی خوریم، یاد گرفته ایم وعده بدون تضمین، معنایی جز وقت کشی و فریب ندارد. رانندگان به صراحت اعلام کردند، بازداشت ها و اقدامات سرکوب گرانه نه فقط خللی در عزمشان ایجاد نمی کند بلکه آن ها را به ادامه مبارزه مصمم تر میسازد. اعتصابیون خطاب به تمام سرکوبگران و فریبکاران اعلام کردند: رانندگان بیدارند و متحد، و تا آخر ایستاده اند. "نه عقب می نشینیم، نه وعده بی پشتوانه را باور می کنیم."، "ایستادیم، شنیده شدیم، متحد می مانیم." این ها فشرده پاسخ اعتصاب بود به آنانکه قصد سرکوب و شکست اعتصاب را داشتند.

آخرین خبرها حاکی است که اعتصابیون دولت را وادار به پاسخگویی کرده اند. سخنگوی دولت نیز ناچار شد صدای رانندگان را بشنود. اما این هنوز شنیدن صداست و تا عمل به خواست صاحبان صدا فاصله بسیار. اعتصابیون قویاً تأکید کرده اند به گفته ها اکتفا نخواهند کرد. در قدم اول خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همکاران خود و مصوبات مکتوب و ضمانت اجرایی شده اند. اعتصابیون به دولت یادآوری نموده اند "کامیون داران امروز یکدل، آگاه و متحد هستند. ما نه وعده که تنها عمل و تضمین های شفاف و قانونی می خواهیم."

اما مستقل از نتیجه نهایی اعتصاب سراسری رانندگان، این اعتصاب تا همینجا دستاوردهای مهمی دربرداشته است. این رویداد، نشان آشکار پیشرفت جنبش اعتصابی است. اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، از جنبه های گوناگونی بسیار مهم، تأثیر گذار و گویای پیشرفت های قابل توجه جنبش اعتصابی است.

اعتصاب سراسری رانندگان همواره تأثیرات بسیار مهم و شوق انگیزی بر سایر اقشار و در کل جامعه داشته است. اعتصاب این بار نیز فقط گویای بیداری سیاسی و پیشرفت تشکل یابی رانندگان نبود، بلکه دعوت کننده سایر اقشار برای پیوستن به اعتصاب نیز بود. اعتصاب سراسری رانندگان کامیون صرف نظر از پشتیبانی چندین اتحادیه بزرگ کارگری از نمونه کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا با میلیون ها عضو که در حوزه حمل و نقل فعالیت می کند، فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل (ITF)

در صفحه ۶

۱۴۰۳ میزان سهم حق بیمه راننده، ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان بود و ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان هم حق دولت بود که از این میزان طبق قانون جدید برنامه هفتم، دولت تا یک میلیون و ۴۰۰ ۵۰۰ هزار تومان را به عنوان سهم خودش تقبل می کند و ۹۰۰ هزار تومان در نهایت به سهم بیمه گذار اضافه می شود.

تا اینجا طبق سخنان معاون بیمه ای سازمان تأمین اجتماعی، هر راننده کامیون همراه باید ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بابت بیمه بپردازد. اما این هنوز تمام ماجرا نیست. معاون بیمه ای سازمان تأمین اجتماعی، صحبت خود را ناتمام رها می کند که رضا اکبری رییس "سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای" آن را تکمیل می کند. وی میگوید، گروهی از رانندگان مشمول یارانه بیمه دولت هستند و گروه دوم یعنی ۲۰۰ هزار راننده جدید که از سال ۹۷ وارد چرخه حمل و نقل شده اند مشمول یارانه دولت نیستند. به عبارت دیگر دولت چیزی برای بیمه این گروه پرداخت نمی کند. راننده ای که قبلاً ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان بابت بیمه پرداخت می کرده اکنون باید ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان (۲ میلیون و ۳۰۰ با اضافه ۹۰۰ با اضافه ۱ میلیون و ۵۰۰) بپردازد. دولت نه فقط مبلغ بیمه رانندگان را افزایش داده بلکه سهم خود را نیز بردوش رانندگان انداخته و یارانه را نیز قطع نموده است.

اعتراض نسبت به افزایش حق بیمه، اعتراض به افزایش قیمت لاستیک، وسایل یدکی و خواستهایی نظیر افزایش نرخ کرایه بار، افزایش سهم سوخت دولتی، کوتاه کردن دست شرکت های واسطه ای حمل و نقل، به رسمیت شناختن شغل رانندگی در زمره مشاغل سخت و زیان آور و خواست های دیگری نظیر آن، جملگی نه در برابر این یا آن کارفرما و این یا آن کارخانه، بلکه در مقیاس سراسری در برابر دولت قرار داده شده است. اعتصاب، دولت حاکم را در مقیاس سراسری به چالش طلبید و به رویارویی با آن برخاست.

دولت و نهادهای دولتی برای شکستن و درهم کوفتن اعتصاب روش دوگانه ای در پیش گرفتند و همزمان با طرح وعده های پوچ سرخرمن و فاقد ضمانت اجرایی، به ارباب و بازداشت اعتصابیون متوسل شدند. در حالیکه وعده های غیر جدی برای خریدن وقت پر رنگتر می شد، ارباب و سرکوب نیز جدی تر و همه جانبه تر به اجرا گذاشته شد و هر روز شماری از اعتراض کنندگان بازداشت و روانه زندان شدند. واکنش اعتصابیون و "اتحادیه کامیون داران و رانندگان سراسر ایران" در قبال دولت اما از همان آغاز اعتصاب تا روزهای بعد، بسیار آگاهانه، دقیق و پخته و حاکی از درجه بالای آگاهی سیاسی در میان سازمان دهندگان اعتصاب بود.

مجلس ارتجاع، مشکلات رانندگان را به اصطلاح بررسی نمود و به دنبال آن مشتی وعده تحویل رانندگان داد. استاندار بندر عباس، رییس مجلس، رییس کانون حمل و نقل کالای کشور و رییس اتاق بازرگانی، معاون حمل و نقل وزیر

درهم شکستن اعتصاب، این اعتصاب بزرگ و سراسری که برای یک هفته تدارک دیده شده بود، با قدرت تمام بیش از ۱۰ روز ادامه یافت و متجاوز از ۱۶۳ شهر را دربرگرفت. اعتصاب یکدست و سراسری رانندگان کامیون فقط اعتصابی برای احقاق حقوق رانندگان و کامیون داران نبود و نیست، این اعتصاب در عین حال راه و چگونگی پیگیری حق و حقوق سلب شده ی عموم کارگران و زحمتکشان را نیز نشان داد. اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، یک اقدام سازمان یافته سیاسیست که نوک تیز حمله آن نیز متوجه دولت حاکم است. اعتصاب، چنانکه "اتحادیه تشکل های کامیون داران و رانندگان سراسر ایران" نیز در فراخوان اولیه با عنوان "دیگر بس است" اعلام کرد: "اعتراض برای زندگی است".

مخاطب تمام خواست های برحق اعتصابیون، دولت جمهوری اسلامی است. افزایش کرایه بار و سهمیه سوخت، اعتراض به گرانی و قیمت لاستیک، وسایل یدکی، سوخت و روغن موتور و غیره که غالباً به دوبرابر و گاه بیشتر افزایش یافته اند، اعتراض نسبت به شرکت های واسطه ای حمل و نقل، افزایش وحشتناک بیمه از مهمترین خواست های اعتصاب به شمار می روند. مخاطب و طرف حساب رانندگان و کامیون داران در تمامی موارد فوق نیز دولت است. دولت است که درمورد افزایش کرایه بار یا سهمیه سوخت تصمیم می گیرد، دولت است که باید لاستیک و وسایل یدکی و سوخت و روغن و غیره را با قیمت های دولتی در اختیار رانندگان کامیون قرار دهد. شرکت های واسطه ای حمل و نقل که ۴۰ درصد و گاه تا نیمی از هزینه حمل و نقل را بر می دارند نیز یا تماماً متعلق به دولت اند یا توسط نهادهای وابسته به دولت از نمونه آستان قدس رضوی اداره می شوند. از همین جاست که دولت و نهاد های دولتی در مقام "پاسخگو" در طرف مقابل اعتصاب ابراز وجود کرده و برای مقابله با اعتصاب، به ماجرا ورود نموده اند. چه زمانی که ده ها راننده بازداشت و مورد تهدید و ارباب قرار گرفتند، چه هنگامی که وعده رسیدگی عنوان شد، باز هم طرف مقابل این اعتصاب سراسری، دولت بوده است. اعتصاب یک پارچه و سراسری رانندگان و کامیون داران که اساساً دولت را در مقیاس سراسری به چالش کشید و آن را به مصاف طلبید، یک اعتصاب و جنبش سیاسی است که پایه های آن بر یک رشته خواست های محکم اقتصادی نهاده شده که در عین حال پتانسیل عمومی شدن این اعتراض و جنبش سیاسی را نیز تقویت می کند.

با یک نگاه، تنها به وضعیت بیمه رانندگان و هزینه آن و نقش و مکان دولت در این میان، جایگاه دولت در این اعتصاب و خصلت سیاسی اعتصاب بهتر روشن می شود.

معاون بیمه ای سازمان تأمین اجتماعی (محمد مهدی) میگوید دستمزد رانندگان کامیون و تریلی ۱۷ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان است و تا سال

پیشرفت های آشکار جنبش اعتصابی نگاهی به اعتصاب سراسری رانندگان کامیون

که نماینده بیش از ۱۶ میلیون کارگر حمل و نقل در ۱۵۰ کشور است و همچنین برخی اتحادیه های دیگر، در داخل کشور نیز با حمایت های نسبتاً گسترده نوشتاری از نمونه صدور بیانیه های حمایتی تشکل های گوناگون روبرو شد. اما ماجرا به اینجا ختم نشد. حمایت های امسال از حد صدور بیانیه فراتر رفت و اعتصاب، در عمل نیز مورد پشتیبانی قرار گرفت. نیشان داران، رانندگان مینی بوس در برخی شهرها، رانندگان تانکرهای نفت در جنوب، تراکتورداران، دارندگان ماشین های سنگین و برخی رانندگان دیگر نیز از طریق رژه خیابانی و توقف کار، به اعتصاب سراسری پیوستند و با رانندگان کامیون به اعلام همبستگی پرداختند. اعتصاب از این نظر نسبت به موارد مشابه اعتصابهای سراسری سال های گذشته چندین گام جلوتر بود.

اعتصاب از همان آغاز، یکدست و یکپارچه بود و در تمام طول روزهای بعد نیز بیدار و آگاه. اعتصاب نه تنها به لحاظ سراسری بودنش یک سر و گردن از تمام اعتصابات سراسری پیشین در سال ۹۷ بالاتر بود، بلکه به لحاظ سازماندهی، اتحاد، یگانگی گفتار و کردار و ایستادگی در برابر دولت و اقدامات سرکوبگرانه و نیز وعده های قلابی، بی همتا و چندین گام از نمونه های قبلی جلوتر بود. این همه، مدیون تشکل سراسری "اتحادیه کامیونداران و رانندگان سراسر ایران" و توانایی سازماندهی و رهبری اعتصاب از آغاز تا انتهاست. قدرت سازماندهی تشکل مستقل رانندگان چنان مشهود و برجسته بود که دشمنان اعتصاب را نیز به اعتراف واداشت. جلال موسوی نایب رییس "کانون کامیون داران کشور" هنگام مقایسه این اعتصاب با اعتصابات سال ۹۷ گفت: "آن زمان بیانیه صادر نشد و خودجوش اعتصاب کردند".

در سه اعتصاب سراسری سال ۹۷ نطفه های اولیه تشکل سراسری رانندگان کامیون با تلاش رانندگان آگاه و پیشرو بسته شد و تشکلی بنام "اتحادیه هماهنگ کنندگان رانندگان سراسر ایران" شکل گرفت. نطفه تشکل سراسری گرچه در همان سال بسته شد اما این تشکل هنوز شکل نهایی به خود نگرفته بود. تلاش بعدی نیروها و رانندگان آگاه آن را بارور ساخت. بذرهایی که در سال ۹۷ افشاند شد در پرتو تلاش و پیگیری این نیروها جوانه زد و به بار نشست و با نام "اتحادیه کامیونداران و رانندگان سراسر ایران" شکل نهایی به خود گرفت که بر پایه عملکرد آن در اعتصاب اخیر، در جایگاه یک تشکل محکم و قوی و برخوردار از یک رهبری آگاه و قدرتمند ابراز وجود کرد.

افزون براین، مسأله بسیار مهم دیگر، اتخاذ شکل اعتراض و اجرایی کردن آن در شرایط سیاسی حاکم بر جامعه است. نفس اعتصاب سراسری در شرایط متلاطم جامعه مستعد شکل گیری اعتراضات توده ای، چه از این جنبه که می تواند مشعل اعتراض توده ای را برافروزد و چه از جهت اینکه می تواند مجرای بر اعتصابات

سراسری سایر اقشار باز کند فوق العاده مهم است. اعتصاب سراسری رانندگان کامیون در همان چند روز اول، کل حمل و نقل جاده ای را فلج کرد و کارایی و تأثیر گذاری و قدرت بلا شک اعتراض در شکل اعتصاب را نشان داد. اعتصاب سراسری بدون شک مؤثر ترین شکل اعتراض نه فقط در حمل و نقل جاده ای یا حمل نقل مسافری، شهری، ریلی و امثال آن، بلکه در تمام صنایع و مؤسسات تولیدی و خدماتی به ویژه در صنعت نفت و گاز معتبر و مؤثر و کارساز است. اعتصاب سراسری رانندگان کامیون یکبار دیگر این واقعیت را نشان داد که اگر اعتراضات کارگری بخواهد مؤثر واقع شود و طبقه حاکم را عقب براند، نباید به تجمعات اعتراضی یا اعتصاب تک واحدی اکتفا شود. کارگران باید وارد فاز سازماندهی اعتصابات سراسری شوند. با اعتصابات سیاسی و سراسری است که چشم انداز نوینی فرا روی جنبش طبقه کارگر و شکل گیری یک جنبش سیاسی طبقاتی گشوده خواهد شد.

اما اگر قرار باشد به مهمترین کمبدهایی که در اعتصاب اخیر مشهود و محسوس بود اشاره ای داشته باشیم می توان دو نکته را متذکر شد. نکته اول نبودن وسع و سایر رانندگان به ویژه رانندگان حمل و نقل مسافری بین شهری و شهری یا رانندگان حمل و نقل ریلی و کارگران مترو به اعتصاب است. حمایت بخش هایی از رانندگان نیشان، مینی بوس، تراکتور و تانکرهای نفت و برخی وسایل سنگین گرچه در مقایسه با اعتصابات قبلی گام مهمی به پیش است، اما با آنچه باید باشد و با می تواند باشد فاصله زیادی داشت. تنها در ناوگان مسافری جاده ای بیش از ۲۰۰ هزار راننده مشغول به کارند که در این اعتصاب، تحرک و حمایتی از آنان مشاهده نشد. در اعتصاب سال ۹۷ دست کم رانندگان ناوگان مسافربری خوزستان از اعتصاب رانندگان کامیون حمایت کردند اما در اعتصاب اخیر جای آن ها و بسیاری دیگر از این گروه از رانندگان کاملاً خالی بود. صرف نظر از اینکه این سکوت تا چه حد متوجه خود رانندگان مسافربری باشد، اما یک اشکال اساسی به خود رانندگان کامیون برمی گردد که این رانندگان هنوز نتوانسته اند با بخش حمل و نقل مسافربری ارتباط محکمی برقرار کنند و لذا از این نظر هنوز کار و فعالیت و تلاش زیادی در پیش دارند.

نکته دوم کم رنگ بودن خواست های اخص رانندگان مزد بگیر در میان خواست های عمومی و فراموش شدن این خواست هاست. گرچه آمار دقیقی در مورد تعداد رانندگان مزد بگیر انتشار نیافته است اما آمار تقریبی تعداد کامیون های فعال در سال ۱۴۰۴ بالغ بر ۵۰۰ هزار دستگاه است که حدود ۸۰ درصد کامیون ها در مالکیت شخصی است و تنها ۲۰ درصد رانندگان کامیون (۱۰۰ هزار نفر) کارگر مزد بگیر هستند. در اعتصاب اخیر هیچ نشانی از خواست های اخص این صدهزار راننده کامیون که معمولاً با یک کمک راننده یا شاگرد همراهی می شوند و

جمعیتی نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر را تشکیل می دهند وجود نداشت. شایان ذکر اینکه حتی آن ۴۰۰ هزار راننده مالک کامیون نیز عموماً یک کمک راننده یا شاگرد راننده مزد بگیر همراه دارند. تردیدی در این موضوع وجود ندارد که نیروی محرکه مهم و رادیکال اعتصاب همین گروه از رانندگان هستند اما به رغم این، به نظر می رسد خواست این مزدگیران تحت الشعاع خواست های سایر رانندگان قرار می گیرد. افزایش نرخ کرایه بار، کاهش قیمت لاستیک و سایر یذکی و امثال آن ارتباط مستقیمی با خواست راننده مزد بگیر و به فرض افزایش دستمزد وی ندارد. تنها خواستی که می توان آن را به این گروه از رانندگان تعمیم داد، به رسمیت شناختن شغل رانندگی در زمره کارهای سخت و زیان آور است. مکتوم ماندن خواست های اخص رانندگان مزد بگیر، یک نقص و کمبود است. این کمبود، یک نقطه ضعف است که باید برای آن راه حلی پیدا کرد. نیازی به توضیح نیست که این نکته بسیار ظریفی است. به این معنا که باید با حفظ اتحاد رانندگان مزد بگیر و سایر رانندگان کامیون در مبارزه با دولت، جای خاصی نیز به منافع مزد بگیران اختصاص داده شود به نحوی که اولاً این خواست ها و منافع در لابلای منافع و خواست های عمومی تر ناپدید نشود و ثانیاً طرح موضوع به گونه ای باشد که به اتحاد رانندگان در برابر دولت خدشه ای وارد نشود. این موضوع مهمی است که البته رسیدگی به آن در صلاحیت "اتحادیه کامیونداران و رانندگان سراسر ایران" است. عملکرد این اتحادیه و بیانیه های پرمضمون آن در جریان اعتصاب، حاکی از توانایی و آگاهی اعضا و رهبران اتحادیه است. چنین اتحادیه ای قرار نیست چشم خود را بر معضلات و کمبود ها ببندد. در آخرین بیانیه مورخ ۱۷ خرداد این اتحادیه که در محکومیت قتل فجیع الهه حسین نژاد صادر شد، سکوت در برابر این ظلم، خیانت به انسانیت خوانده شده و از همه مردم خواسته شده صدای این مظلومیت باشند. بیانیه از خشم برجای مانده تا روزی که نه تنها کامیونداران، بلکه تمام مردم ایران در سایه عدالت و امنیت زندگی کنند سخن گفته است و یک چنین دیدگاه و طرز تفکری قطعاً نسبت به خواست های رانندگان مزد بگیر نیز نمی تواند بی تفاوت باشد و نیست.



زورآزمایی در مذاکرات هسته ای

خاک ایران بیشتر و زبان ارباب و تهدید رسانه ای طرفین بر زمینه مذاکرات پشت پرده محتوای مذاکرات سایه افکنده است. در یک سو، ترامپ و تیم مذاکره کننده او همچنان بر حذف غنی سازی و برچیده شدن کامل پروژۀ اتمی جمهوری اسلامی تأکید دارند و در سوی دیگر خامنه ای در هر گفتار و سخن و کلامی، خواست آمریکا را «یاوه گویی» می خواند و در تبلیغات علنی و بیرونی خود با زیبایی قاطع بر ادامه غنی سازی اورانیوم در خاک ایران اصرار دارد.

این جدال بیرونی، بویژه بعد از ارسال پیشنهاد کتبی ترامپ به جمهوری اسلامی که گویا همچنان بر حذف غنی سازی اورانیوم در خاک ایران تأکید داشته، با واکنش بسیار تند خامنه ای تشدید شد.

خامنه ای روز چهارشنبه ۱۴ خرداد در پاسخ به پیشنهاد کتبی ترامپ با لحنی عتاب آمیز گفت: «حرف اول آمریکا این است که ایران صنعت هسته ای نداشته باشد و به آمریکا احتیاج داشته باشد. پاسخ ما به یاوه گویی آمریکا معلوم است: نمی تواند در این مورد هیچ غلطی بکند.» اگر چه این بخش از سخنان خامنه ای تازگی نداشت و او پیش از این نیز در ۳۰ اردیبهشت خطاب به آمریکا گفته بود: «سعی کنند یاوه گویی نکنند. اینکه بگویند به ایران اجازه غنی سازی نمی دهیم، غلط زیادی است»، اما تکرار دوباره این سخنان رهبر جمهوری اسلامی در سالمرگ خمینی، موضوع مذاکرات هسته ای را پیچیده تر کرد و بار دیگر دستیابی به توافق را در هاله ای از ابهام فرو برد.

پوشیده نیست، ادامه این زورآزمایی و اصراری که طرفین از همان آغاز مذاکره بر حذف یا پابرجایی غنی سازی اورانیوم در خاک ایران داشته و دارند، اگر همچنان بر خطوط قرمز خود تأکید داشته باشند، در چنین وضعیتی بعید است مذاکرات کنونی به سرانجامی برسد. مگر اینکه در پشت پرده این مذاکرات، که هم آمریکا و هم جمهوری اسلامی بر «سری» بودن محتوای آن تأکید دارند، تعادلی حداقلی در عبور از خط قرمزهای گفته شده صورت گیرد.

با سخنان اخیر خامنه ای و تأکید چندین و چند باره او که «حفظ و ادامه غنی سازی اورانیوم در خاک ایران» خط قرمز جمهوری اسلامی است و همچنین اعلام آخرین موضع ترامپ و تأکید مجدد او که «هیچ گونه غنی سازی اورانیوم» را در ایران نخواهد پذیرفت، آنچه اکنون در سطح ظاهر و بیرونی مذاکرات جاری قابل رؤیت است، همانا درجا زدن و بازگشت مذاکرات به همان نقطه آغازین دور اول است. هرچند واقعیت های پشت پرده ممکن است به گونه دیگری باشد. چهار دور اول این مذاکرات، طبق خبرهای رسانه ای هر بار با ابراز خوشبینی طرفین مبنی بر «سازنده» بودن مذاکره و اینکه مذاکرات در حال «پیشرفت» است، پایان یافت. دور پنجم این مذاکرات با همه لفاظی های تهدیدآمیزی که طرفین در روزهای قبل از شروع آن علیه یکدیگر به راه انداخته بودند، نهایتاً در دوم خرداد ماه جاری بدون حصول به نتایج ملموسی در رم

برگزار شد.

در پایان این دور از مذاکرات هم، اگرچه مذاکره کنندگان آمریکا و جمهوری اسلامی طبق روال گذشته روند مذاکره را «سازنده» و اقدامی «رو به جلو» خواندند، اما با اعلام موضعی که پس از آن از طرف ترامپ و خامنه ای اعلام شد اوضاع به گونه ای پیش رفت که ادامه مذاکرات را بیش از پیش در هاله ای از ابهام و بدبینی فرو برد. از فردای دور پنجم مذاکرات، رسانه های خبری از ارسال پیشنهاد کتبی ترامپ به جمهوری اسلامی خبر دادند. تکذیب اولیه جمهوری اسلامی از دریافت پیشنهاد فوق، گمانه زنی ها در باره محتوای پیشنهادی ترامپ - که گویا همچنان بر حذف کامل غنی سازی اورانیوم در ایران متمرکز بود - افزایش یافت.

در شرایطی که فضای بیرونی مذاکرات همچنان بر انکار جمهوری اسلامی از دریافت پیشنهاد کتبی آمریکا و حدس و گمان های رسانه ای روی محتوای آن متمرکز بود، روز شنبه ۱۰ خرداد، در پی سفر کوتاهی که وزیر خارجه عمان به ایران داشت، پیام فوق رسماً به جمهوری اسلامی تحویل داده شد. بدر ابو سعیدی در این سفر چند ساعته، علاوه بر ملاقات با عباس عراقچی، با خامنه ای هم دیدار کرد. دیداری که یقیناً ناشی از اهمیت پیام کتبی ترامپ و خواست او از عمان برای رایزنی بیشتر جهت هموار کردن راه توافق در مذاکرات جاری بود. اندک زمانی بعد از انتقال پیشنهاد آمریکا، عباس عراقچی به هنگام اعلام خبر دریافت پیشنهاد کتبی ترامپ، بدون اشاره به محتوای آن گفت: در اولین فرصت بنا به منافع جمهوری اسلامی و مردم ایران به پیشنهاد فوق پاسخ کتبی خواهیم داد.

سه روز بعد در سفری که عراقچی به لبنان داشت، در اظهار نظری تکمیلی گفت: «ما از آمریکا پیشنهادی دریافت کردیم، اما دارای ابهامات و سئوالات بسیار زیادی است و مسائل

در این پیشنهاد به روشنی مشخص نشده اند. ادامه غنی سازی در خاک ایران، خط قرمز ماست و برای غنی سازی در ایران از کسی اجازه نمی گیریم.»

عباس عراقچی - وزیر خارجه جمهوری اسلامی - در شرایطی که موضوع خط قرمز حفظ غنی سازی در ایران تأکید داشت که یک روز قبل تر از آن، ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث سوشیال» نوشت، در چارچوب توافق احتمالی که در حال حاضر مذاکره بر سر آن میان آمریکا و جمهوری اسلامی در جریان است، دولت آمریکا «هیچ گونه غنی سازی اورانیوم» توسط ایران را نخواهد پذیرفت. به واقع این سخنان ترامپ واکنش به گزارش اکسیوس بود که در آن به نقل از دو منبع نزدیک به مذاکرات جاری اعلام کرده بود، آمریکا ممکن است به ایران اجازه «غنی سازی محدود اورانیوم با غلظت پائین را در یک دوره زمانی مشخص در خاک خود» بدهد. موضوعی که بعضی از نمایندگان کنگره آمریکا نیز در اعتراض به «سری» بودن محتوای مذاکرات جاری و دادن امتیاز غنی سازی ۳ درصدی ترامپ به جمهوری اسلامی، واکنش های منفی نشان داده بودند.

درست در زمانی که زورآزمایی های طرفین بر سر غنی سازی اورانیوم از طرف ترامپ و عراقچی بالا گرفته بود، سخنان ۱۴ خرداد خامنه ای شعله های این کشاکش بیرونی را بیشتر بر افروخت و بار دیگر همانند روزهای پیش از دور پنجم مذاکرات، نگاه ها به سوی توقف مذاکرات کشیده شد. اما از آنجا که هم ترامپ و هم جمهوری اسلامی به رغم تمام واکنش های تند و تیز و مواضع سرسختانه ای که تاکنون اعلام کرده اند، به توافقی جدید در چهار چوب مذاکرات جاری نیازمندند، بار دیگر تلاش های علنی و بعضاً پشت پرده طرفین برای بازگشت به میز مذاکره شروع شد.

ابتدا، عباس عراقچی، در پاسخ به پیشنهاد کتبی ترامپ از طرح جدید جمهوری اسلامی برای خروج از بن بست مذاکره خبر داد. سپس تامی پیگوت - معاون سخنگوی اصلی وزارت خارجه

در صفحه ۸



زورآزمایی در مذاکرات هسته ای

آمریکا - در شامگاه پنجشنبه، ۱۵ خرداد در نشست خبری خود ضمن اعلام اینکه «به زودی با ایرانی ها دیدار خواهیم کرد»، در ارتباط با پیام های رد و بدل شده میان طرفین گفت: «ویتکاف فرستاده ویژه ما پیشنهادی جامع و جزء به جزء به ایرانیان ارائه کرده که بهتر است آنها آن را بپذیرند. ایران نباید به سلاح هسته ای دست پیدا کند.» تامی پیگوت در ادامه با تاکید بر سری بودن محتوای مذاکرات جاری گفت: «جز این موضوع، به نفع امنیت ملی آمریکا نیست که در انتظار عمومی در باره مذاکره صحبت کنیم.»

تماس ترامپ با پوتین و اظهار تمایل او به میانجیگری در روند مذاکرات، تجلی دیگری از تلاش طرفین برای بازگشت به میز مذاکره است. ترامپ روز چهارشنبه ۱۴ خرداد در باره تماس تلفنی خود با پوتین گفت: در باره ایران و این واقعیت که زمان برای تصمیم گیری ایران در باره سلاح هسته ای در حال اتمام است، با هم گفتگو کردیم. رئیس جمهور آمریکا با تاکید بر اینکه ایران در این موضوع بسیار مهم در تصمیم گیری تعلل کرده است و ما در مدت زمانی کوتاه نیازمند به پاسخی قاطع هستیم، گفت: «پوتین آماده است در مذاکرات هسته ای با ایران مشارکت کند.»

با اینهمه و به رغم تلاش های جدید صورت گرفته برای شروع دور ششم مذاکرات - که قرار است در هفته پیش رو صورت گیرد - ترامپ بار دیگر در شامگاه روز جمعه با تاکید بر حذف غنی سازی اورانیوم در ایران گفت: اگر این کار صورت نگیرد راه دیگری در پیش خواهیم گرفت، هرچند راضی به انجام آن نیستیم. تهدیداتی محتمل قابل اجرا که چه بسا از نظر خامنه ای و جمهوری اسلامی چندان جدی گرفته نشده اند. یا اگر جدی هم گرفته شده باشند، به دلگرمی از ادعای رژیم در داشتن مخفیگاه های مختلف غیر قابل بمبارانی که در اعماق زمین و در دل کوه هاست، خامنه ای را بر آن داشته تا همچنان بر حفظ غنی سازی اورانیوم در ایران تاکید داشته باشد.

حال به رغم تمام احتمالات موجود و انجام زورآزمایی های آشکار تکنونی که طرفین برای امتیازگیری از هم در پیش گرفته اند، چه بسا طرفین در پس این زورآزمایی های علنی به تعادلی برای دست یابی به توافق احتمالی گام بردارند. چرا که در وضعیت کنونی اگر چه هر دو طرف نیازمند رسیدن به یک توافق جدید هسته ای هستند، اما اوضاع برای جمهوری اسلامی خرابتر از آن است که خامنه ای و دیگر مسئولان نظام بتوانند با موضع گیریهای جنجالی، وخامت شرایط کنونی خود و نظام را لاپوشانی کنند.

جمهوری اسلامی در ارتباط با پرونده هسته ای خود هم اینک از هر طرف در محاصره است. اعمال فشارهای حداکثری ترامپ که برای چند روز متوقف شده بود، بار دیگر با شدتی بیشتر شروع شده اند. همراه با اعمال تحریم های حداکثری آمریکا، فعال شدن مکانیزم ماشه برای

فاجعه ای نوار غزه، لکه ی ننگ بر چهره بشریت در قرن بیست و یکم

اساسی کرده است و شکاف میان مردم و دولت ها در حال تعمیق است. طبق نظرسنجی ها، حمایت عمومی از اسرائیل در غرب اروپا به پایین ترین حد خود رسیده است. به طور کلی تنها بین ۱۳ تا ۲۱ درصد از پاسخ دهندگان به نظرسنجی ها دیدگاه مثبتی نسبت به اسرائیل دارند، در حالی که ۶۳ تا ۷۰ درصد دیدگاه منفی دارند. نظرسنجی ها در اسرائیل نیز نشان می دهد نظر عمومی در حال تغییر است. در حالی که در ابتدا در اسرائیل حمایت گسترده ای از جنگ و سیاست های دولت وجود داشت، با گذشت زمان و افزایش تلفات انسانی، نگرانی ها و انتقادات افزایش یافته است. حتی در آمریکا نیز جنبش همدردی با فلسطینیان نیرومندتر شده است. طبق نظرسنجی مؤسسه "گالوپ" در ماه مارس، ۵۵ درصد آمریکایی ها با اقدامات نظامی اسرائیل در غزه مخالف و فقط ۳۶ درصد موافق بودند. با وجود این نظرسنجی ها، اما، افزایش آگاهی جهانی علیه اشغالگری و کشتار، تنها در صورتی می تواند به نیرویی مؤثر بدل شود که با سازمان یابی انترناسیونالیستی، فشار از پایین و پیوند با مبارزه طبقاتی جهانی همراه گردد، امری که نشانه های آن در اعتراضات جاری علیه جنایات اسرائیل و حمایت از فلسطینیان به چشم می خورد.

در تحلیل نهایی، مناطق فلسطینی و آینده و هستی فلسطینیان به محل رقابت های منطقه ای و جهانی (نظیر تضاد امپریالیسم غرب، ارتجاع عرب، جمهوری اسلامی ایران و منافع اسرائیل) تبدیل شده است و فجایع جاری - از قحطی تحمیلی و کشتار جمعی تا شهرک سازی و اشغال - چیزی جز "لکه ی ننگ بشریت در جهان سرمایه داری قرن بیست و یکم" نیست. زدودن این ننگ تنها از مسیر مبارزه ی پیگیر مردم فلسطین، همبستگی نیروهای مترقی جهان، و فشار مستقیم بر دولت ها برای پایان دادن به جنایت، رفع اشغال، و به رسمیت شناختن حق فلسطینیان در سرزمین تاریخی خود زوده می شود.

بازگرداندن تمام تحریم های سازمان ملل توسط سه کشور اروپایی برجام شامل آلمان و فرانسه و انگلیس نیز در دستور کار قرار دارد. ارائه گزارش جامع رافائل گروسی - مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی - به نشست دوره ای شورای حکام که از روز دوشنبه ۱۹ خرداد آغاز می شود، تنگنای دیگری برای جمهوری اسلامی است. گزارشی متفاوت با گزارشات پیشین، که اینبار رافائل گروسی ضمن اشاره به انجام «فعالیت های هسته ای مخفیانه» ایران با استفاده از «مواد هسته ای اعلام نشده در سه سایت» با صراحت به جامعه جهانی هشدار داده و اعلام کرده است، اگر چه «ایران در حال حاضر سلاح هسته ای ندارد، اما مواد لازم برای ساخت آن را دارد». گروسی با توجه به روند مذاکرات هسته ای تأکید کرده چنانچه این مذاکرات به شکست بینجامد، «احتمالاً به اقدام نظامی» علیه ایران منجر خواهد شد.

تنگنای دیگر جمهوری اسلامی تنظیم پیش نویس قطعنامه ای از طرف آمریکا، فرانسه، آلمان و بریتانیا است که قصد دارند بر پایه یافته های آژانس آن را به نشست شورای حکام ارائه دهند. اگر این قطعنامه تصویب شود - که تصویب آن بسیار محتمل است - برای نخستین بار در بازه زمانی ۲۰ سال گذشته بار دیگر جمهوری اسلامی به صورت رسمی به نقض تعهدات هسته ای متهم خواهد شد. موضوعی که روند ارجاع پرونده هسته ای ایران را به شورای امنیت سازمان ملل تسهیل خواهد کرد.

با توجه به مجموعه مسائل طرح شده، باید اذعان کرد که مذاکرات هسته ای ایران و آمریکا روزها و هفته های حساس خود را طی می کند. بی تردید این روند نمی تواند در یک بازه زمانی بلند مدت ادامه یابد. زمان تصمیم گیری برای جمهوری اسلامی به سرعت در حال اتمام است. شرایط از هر نظر علیه خامنه ای و هیئت حاکمه ایران پیش می رود. اگر دو طرف در رایزنی های پشت پرده به تعادلی در گذر از خط قرمزهای اعلام شده شان نرسند - که رسیدن به این تعادل بسیار محتمل تر از نرسیدن است - بدون شک شرایط به گونه ای دیگر پیش خواهد رفت.



گزارش اکسیون ژنو در مقابل سازمان جهانی کار



تشکل‌های کارگری و صنفی در ایران به خود جلب کرد.

تعداد ۲۴ اتحادیه‌ی سراسری از کشورهای فرانسه، سوئد، سوئیس، دانمارک، ایتالیا و آلمان با صدور بیانیه، نامه، امضای حمایتی و برخی از آنان با حضور در محل برگزاری اکسیون و انجام سخنرانی، همبستگی خود را با مبارزات کارگران در ایران اعلام کرده و به افشای سیاست‌های ضد کارگری جمهوری اسلامی پرداختند. در حین برنامه، نمایندگان کارگری از کشورهای هند، پاکستان، مراکش، کوبا و گینه نیز به اکسیون پیوستند و سخنانی در حمایت از مبارزات کارگری در ایران اظهار کردند.

از ایران، تشکل‌های مستقل کارگری و صنفی و فعالین کارگری در بیانیه‌های جمعی، جداگانه و پیام‌های فردی اعتراض شدید کارگران و زحمتکشان ایران را به سازمان جهانی کار برای به رسمیت شناختن سرکوبگران کارگران، تحت عنوان جعلی "نماینده‌ی کارگران" بیان کردند. همچنین طرح مطالبات وسیع کارگران، از جمله داشتن حق تشکل مستقل، اعتراض به سرکوب، دستگیری، پرونده‌سازی و جرم تراشی برای فعالین کارگری و صنفی و خواست آزادی فوری دستگیرشدگان از مواضع مشترک این بیانیه‌ها می‌باشند.

بسیاری از سازمان‌ها، احزاب و تشکل‌ها در داخل و خارج کشور بیانیه‌ها و پیام‌های خود را به کمیته‌ی برگزاری ارسال کردند.

در حین برنامه، علاوه بر سخنرانی‌های مختلف نمایندگان اتحادیه‌ها، بخش‌هایی از اطلاعیه‌های ارسالی خوانده شد و بخشی از پیام علی نجاتی نیز از بلندگو پخش گردید. برخی از اطلاعیه‌ها مانند اطلاعیه‌ی سندیکای شرکت واحد به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی نیز ترجمه شده و در اختیار اتحادیه‌های خارجی قرار گرفت. این کمیته همچنین اطلاعیه‌ای در حمایت از اعتصاب سراسری کامیونداران و رانندگان کامیون ترجمه کرده و در اختیار اتحادیه‌های خارجی قرار داده بود. اتحادیه‌ی رانندگان حمل و نقل در سوئد، در همین رابطه با صدور اطلاعیه‌ای از این اعتصاب حمایت کرد. اکسیون با پخش سرود، شعار، خواندن اطلاعیه‌های احزاب و سازمان‌ها از جمله، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست و کمیته خارج کشور سازمان فدائیان-اقلیت ادامه یافت و با پخش میکروفون آزاد و سرود انترناسیونال پایان گرفت.

بندهای قطعنامه‌ی کمیته‌ی برگزاری اکسیون ژنو شامل موارد زیر می‌باشد:

۱- هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار تماماً از عوامل کارگزاران حکومت ایران تشکیل شده و کارگران ایران نماینده‌ی آن در این اجلاس ندارند. ما به رسمیت شناختن این هیأت، به عنوان نمایندگان کارگران ایران، از سوی سازمان جهانی کار را محکوم می‌کنیم.

۲- ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، بستن قراردادهای دسته جمعی، اعتصاب، تجمع،

برخورداری از آزادیهای سیاسی و اجتماعی از حقوق مسلم و بنیادی کارگران است. ما سلب این حقوق توسط جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم.

۳- کارگران ایران خواهان لغو خصوصی‌سازی، قراردادهای موقت، برچیدن شرکت‌های پیمانکاری و واسطه گر، کاهش سن بازنشستگی، افزایش دستمزدها به میزان حداقل بالاتر از خط فقر و پرداخت به موقع دستمزدها، کاهش ساعات کار، پرداخت عادلانه و به موقع حقوق بازنشستگی، تأمین بیمه‌های بازنشستگی و درمانی جامع، جلوگیری از اخراج‌های دسته جمعی، داشتن امنیت شغلی و برخورداری از ایمنی در محل کار و نیز تأمین معیشت، بهداشت و آموزش همگانی هستند.

۴- ما خواهان رفع آپارتاید جنسیتی در محیط کار، برخورداری از مزد برابر در مقابل کار برابر برای زنان و مردان، فرصتهای برابر شغلی و تأمین حقوق و نیازهای ویژه برای زنان کارگر می‌باشیم.

۵- ما خواهان ممنوعیت بهره‌کشی از نیروی کار کودکان و فراهم آوردن تأمین یک زندگی درخور انسانی، تأمین آموزش و بهداشت رایگان و امکانات پرورش و شکوفایی برای آنها می‌باشیم.

۶- ما خواهان رفع تمامی قوانین مبتنی بر تبعیض جنسیتی، ملیتی و مذهبی و برابری حقوقی برای کارگران مهاجر هستیم که خود بخشی از نیروی کار در ایران هستند.

۷- ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمام زندانیان سیاسی، از جمله کارگران و معلمان زندانی، لغو فوری شکنجه و اعدام و لغو صدور

حکم اعدام کارگر زن شریفه محمدی و نیز پایان فوری دستگیری و صدور پرونده‌های امنیتی برای کارگران و بازگشت به کار کارگران اخراجی هستیم.

۸- ما همچون دیگر نهادهای کارگری، آزادیخواه و انسان دوست در جهان نسل‌کشی مردم غزه توسط دولت نژادپرست اسرائیل را محکوم می‌کنیم. توقف فوری ماشین کشتار دولت اسرائیل، تأمین امنیت جانی و مالی برای مردم غزه را باید با اعتراضات اجتماعی در سطح جهان و تحمل آن به دولت‌ها تحقق بخشیم.

۹- تحقق مطالبات بالا در گرو اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران و گسترش تشکل‌های اجتماعی کارگری است که توازن قوا را در مبارزه علیه سرمایه داری به نفع اتحاد کارگران تغییر دهد. در حال حاضر مبارزات کارگری در ایران با وجود دستگیری و زندانی و صدور احکام اعدام برای کارگران معترض ادامه دارد و تشکلیابی و سازماندهی اعتراضات در حال گسترش است.

۱۰- ما دست نهادهای کارگری را که از این اکسیون اعتراضی به اشکال مختلف حمایت کرده اند به گرمی می‌فشاریم و از همبستگی بین المللی آنها قدردانی می‌کنیم.

کار - نان - آزادی
حکومت شورائی



اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست: بر علیه برنامه‌های مهاجر ستیزی جمهوری اسلامی از حقوق انسانی شهروندان افغانستانی دفاع کنیم

جمهوری اسلامی موج دیگری از دشمنی با شهروندان افغانستانی برافراشته است. فرماندهان سپاه و نیروی انتظامی، نمایندگان مجلس ارتجاع اسلامی، رسانه‌ها و سردمداران جناح‌های مختلف رژیم همگی بخطر شده‌اند تا میلیون‌ها افغانستانی را مسبب بی‌کاری، بزهکاری و نابسامانی‌های جامعه جلوه دهند. این موج ارتجاعی را اپوزیسیون راست فاشیستی و پیروان "ایران‌شهری" همراهی می‌کنند.

احمد رضا رادان، فرمانده کل نیروهای انتظامی رژیم اسلامی، در روز ۶ خرداد اجرای قاطع قانون درباره "مهاجران غیرمجاز" را اعلام نموده و مدعی شد که این افراد مهمان ما نیستند، زیرا قانون کشور را زیر پا گذاشته‌اند و باید دستگیر و از کشور اخراج شوند. احد بیوته، نماینده مجلس به حضور بیش از ۴ میلیون "مهاجر غیرمجاز" در کشور هشدار داد و گفت: "اگر دولت اقدامی نکند، این حضور به بحران امنیتی منجر خواهد شد". روزنامه "جمهوری اسلامی" نیز در سرمقاله‌ای، مهاجران افغانستانی را متهم به "بلعیدن آب، برق، نان و کالاهای اساسی" کرد و آن‌ها را عامل اشغال مشاغل و بی‌نظمی اجتماعی خواند. نادر یاراحمدی، رئیس مرکز امور اتباع و مهاجرین خارجی نیز، بار دیگر بر اخراج هزاران دانش‌آموز مهاجر افغانستانی تأکید نموده و رسماً اعلام کرد که دانش‌آموزان فاقد ولی یا سرپرست بدون اقامت، پس از پایان امتحانات تا ۱۵ تیرماه باید کشور را ترک کنند. اینها تنها گوشه‌ای از مجموعه سیاست‌های راسیستی، ضدپناهندگی و اخراج سازی شهروندان افغانستانی است که بر علیه حقوق اجتماعی مهاجرین و بویژه ضد حقوق شناخته شده جهانی برای دستیابی کودکان به آموزش است. بعلاوه دختران دانش آموز و دانشجو نیز به انحاء مختلف برای بازگشت به افغانستان تحت فشار قرار گرفته‌اند در صورتی که همگان آگاهند که تحصیل دختران بالای دبستان در افغانستان تحت سلطه طالبان ممنوع است. تنها طی سه سال گذشته نزدیک به سه میلیون افغانستانی از ایران اخراج شده‌اند.

همراه با جمهوری اسلامی، جریان‌ها و گرایش‌های دست راستی ناسیونالیستی و پیروان "ایران شهری" با اتکا به مناسبات و فرهنگ ارتجاعی و "ضرورت تدوین قوانین علیه حضور انبوه اتباع بیگانه"، می‌کوشند مردم ناگاه را به جان شهروندان افغانستانی بیاندازند و شرایط زیست عادی آن‌ها را در مخاطره قرار دهند. برای یک جامعه شرم آور است که در برخی از شهرها و مناطق، بنرهایی با عنوان "ورود افغانی ممنوع" نصب شده است. همچنین انبوهی از افغانستانی‌ها به علت فقدان "هویت ایرانی" هنگام خروج از محل سکونت خود دلهره و اضطراب دارند. آن‌ها از حق خرید بلیط مترو و یا نان و دیگر مایحتاج زندگی نیز محروم هستند. این همه بی‌عدالتی و گسترش اخراج‌سازی علیه مردمی که سالهاست در ایران با دستمزد اندک کارکرده و زندگی سختی داشته‌اند و یا در سال‌ها اخیر از ترس طالبان ناچار به ترک افغانستان شده‌اند، نمایش آشکار سیاست فاشیستی جمهوری اسلامی است.

شهروندان افغانستانی نه تنها در ایران، بلکه در پاکستان با شدیدترین اقدامات امنیتی و سرکوب‌گرانه مواجه هستند. علارغم عملکرد قرون وسطایی طالبان علیه زنان و مردم زحمتکش افغانستان، دول امپریالیستی چین و روسیه در راستای منافع اقتصادی و سیاسی خود به انحاء مختلف با طالبان همکاری کرده و آنرا تقویت می‌کنند. دولت‌های امپریالیستی مدعی "حقوق بشر" در غرب، نیز که خود زمینه ساز برآمد گرایش‌های اسلامی و طالبان بوده و راه ورود این نیروی ارتجاعی را در بازگشت به قدرت هموار نموده، سیاست عمومی اخراج پناهجویان افغانستانی را در دستور قرار داده و آشکار و نهان و با زد و بند با دول ارتجاعی منطقه و طالبان می‌کوشند، شرایط دبیوریت آن‌ها را به افغانستان تسهیل کنند. اخیراً نیز ترامپ در پی سیاست‌های نوافاشیستی خود، قانونی را به اجرا گذاشته که شهروندان چند کشور و در راس آن افغانستانی‌ها را از ورود به آمریکا منع می‌کند. همه این سیاست‌های ضدپناهندگی و ضد مهاجرت در شرایطی است که انبوهی از پناهجویان که از دست طالبان گریخته‌اند در کشورهای مختلف در جستجوی مکان امن برای زندگی هستند. طنز تلخ این است که ظاهراً همه این دولتها طالبان را به "رسمیت" نمی‌شناسند.

وضعیت مردم افغانستان در شرایط کنونی نمایش هولناکی از جهان نابرابر و زیر سلطه سرمایه‌داری است که با برآمد فزاینده راست و فاشیسم، حقوق و حرمت انسانی بیشتر از پیش، لگد مال می‌شود.

مردم شریف و آزادی‌خواه

علیه رژیم اسلامی که می‌کوشد شهروندان افغانستانی را علل نابرابری‌ها و شرایط دهشتناکی که به جامعه تحمیل کرده جلوه دهد و همه هم‌دستانش یعنی حاملین فرهنگ و مناسبات به‌غایت نژادپرستانه و ضد انسانی، مبارزه کنیم و با حمایت همه جانبه، مانع از اخراج و پیشبرد سیاست‌های فاشیستی افغانستانی ستیزی شویم.

زنده باد آزادی و ارتقای حرمت انسانی
سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

06.06.2025/16.03.1404

امضاها:

امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

ادامه جنگ در اوکراین

شده‌اند وارد مذاکره با یکدیگر شوند و این مذاکرات در ترکیه ادامه یافته است. این گفتگوها تاکنون نتیجه‌ای جز آزادی تعدادی از اسرای طرفین و اجسادى که قرار است تحویل داده شوند، نتیجه‌ای در پی نداشته است. آنچه را که پوتین خواهان آن شده است: تعهد کتبی قدرت‌های بزرگ غربی برای توقف گسترش ناتو به شرق، بی‌طرفی اوکراین، الحاق کامل چهار منطقه در شرق اوکراین به روسیه که هم‌اکنون عملاً در تصرف روسیه‌اند. لغو تحریم‌ها، حل‌وفصل وضعیت دارایی‌های محدودشده روسیه در غرب است.

در تفاهنامه ارسالی روسیه به هیئت نمایندگی اوکراین در اجلاس هفته گذشته خواسته شده است که برای برقراری آتش‌بس، ارسال سلاح و تبادل اطلاعات از سوی غرب با اوکراین متوقف شود. اوکراین انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی را ظرف ۱۰۰ روز پس از لغو حکومت نظامی، برگزار و پیمان صلح را امضا کند. اوکراین باید ظرف مدت ۳۰ روز از برقراری آتش‌بس، تمام نیروهای خود را از مناطق مورد ادعای روسیه، خارج کند و روابط اقتصادی با اوکراین، از جمله ترانزیت گاز، احیا گردد.

این‌که مذاکرات بتواند ادامه یابد و خواسته‌های روسیه تحقق یابد، البته وابسته به تصمیم خود اوکراین نیست، بلکه تصمیم‌گیرنده قدرت‌های اروپایی و آمریکا هستند. تا جایی که به آمریکا مربوط می‌شود، ترامپ خواستار توافق است و می‌خواهد با حل این مسئله از روسیه نیز امتیازات اقتصادی و احتمالاً سیاسی بگیرد. اما پذیرش خواسته‌های روسیه از سوی قدرت‌های اروپایی به معنای شکستی بزرگ برای آن‌هاست. بنابراین با پیشرفت روند مذاکرات، توقف جنگ و پیامد آن، صلح مخالفت خواهند کرد. گرچه این واقعیت را نیز نباید نادیده گرفت که فشارهای ترامپ به اروپا و توافقات دولت آمریکا با قدرت‌های اروپایی می‌تواند در ادامه مذاکرات مؤثر باشد. در حال، بعید به نظر می‌رسد که قدرت‌های اروپایی به‌سادگی خواسته‌های روسیه را بپذیرند. بنابراین بن‌بست ادامه جنگ همچنان باقی خواهد ماند.

پیامی به روسیه اعلام کرد. انگلیس در همین حال قول ارسال ۱۰۰ هزار پهپاد به اوکراین را داد. دولت آلمان نیز اعلام کرد یک بسته ۵ میلیارد یورویی کمک نظامی شامل تجهیزات پیشرفته دفاع هوایی، مهمات، وسایل نقلیه زرهی و دیگر نیازهای فوری نیروهای مسلح به اوکراین اختصاص خواهد داد. در همان حال صدراعظم آلمان طی یک کنفرانس مشترک با رئیس‌جمهور اوکراین در برلین وعده داد که برای تأمین موشک‌های دوربرد کمک خواهد کرد و تأمین مالی سامانه ارتباطات ماهواره‌ای استارلینک را برای اوکراین بر عهده خواهد گرفت. او در گفت‌وگویی که توسط یک شبکه عمومی آلمانی برگزار شد اعلام کرد: "دیگر هیچ محدودیتی برای برد سلاح‌های تحویلی به اوکراین نه از سوی بریتانیا، نه فرانسه، نه ما و نه حتی از سوی ایالات متحده آمریکا وجود ندارد."

دولت آلمان همچنین برای تجهیز و تقویت نظامی کشور خود ۵۰۰ میلیارد یورو به هزینه‌های نظامی اختصاص داد. فرانسه نیز ضمن ارسال کمک‌های پیشین به اوکراین، پیشنهاد کرد که به‌جای آمریکا، این کشور چتر سلاح‌های اتمی خود را به تمام اروپا بسط دهد. تعداد دیگری از کشورهای اروپایی نیز ضمن کمک‌های مالی و تسلیحاتی به اوکراین، بودجه‌های نظامی خود را شدیداً افزایش دادند.

روسیه اما در پاسخ به این اقدامات اتحادیه اروپا، دامنه عملیات نظامی خود را بسط داد و ارتش این کشور در طول چند هفته اخیر مناطق دیگری را از خاک اوکراین به تصرف خود درآورد. روسیه علاوه بر کریمه، که در سال ۲۰۱۴ آن را ضمیمه خاک روسیه کرد، هم‌اکنون کنترل کامل لوهانسک و بیش از ۸۰ درصد دونتسک، زاپوریژیا و خرسون را در اختیار دارد. بخش‌هایی از خارکیف و سومی نیز در اشغال روسیه است.

اوکراین اما به‌رغم کمک‌های قدرت‌های اروپایی، در موضعی کاملاً دفاعی قرار گرفته و ارتش این کشور مدام در حال عقب‌نشینی است. چراکه نه‌فقط از نظر نظامی قادر به مقابله با روسیه نیست و نیروی نظامی آن زیر فشار حملات سنگین روس‌ها شدیداً خسته و فرسوده شده است، بلکه با نارضایتی مردم از ادامه جنگ روبه‌روست و کسی حاضر نیست به جبهه برود. اخیراً فیلم‌های متعددی از درگیری‌های مردم بر سر سربازگیری‌های اجباری در خیابان‌ها انتشار یافته است. آنچه اوکراین برای مقابله نظامی با روسیه انجام داده بیشتر اقدامات ایذانی بوده است. تصرف کورسک یک نمونه بود که پس از یک سال با تلفات سنگین ناگزیر به عقب‌نشینی شد یا اقدام اخیر حمله پهپادی به پایگاه‌های هوایی روسیه که با بمباران‌های سنگین متقابل روبه‌رو گردید. در حال، این اقدامات نمی‌توانند بر سرنوشت جنگ در جبهه‌ها تأثیر بگذارند.

به‌رغم تمایل اتحادیه اروپا به ادامه جنگ، اوکراین و روسیه زیر فشار ترامپ اکنون ناگزیر

روسیه شدید بود و در پاسخ به آن، حمله نظامی گسترده‌ای را در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ به اوکراین آغاز کرد که تا به امروز ادامه دارد. دلیل ادامه آن نیز به‌رغم این‌که از مدت‌ها پیش روشن شده است هیچ چشم‌اندازی برای پیروزی اوکراین در این جنگ نیست، همان‌گونه که توضیح داده شد، در این است که این جنگ، جنگی میان روسیه و اوکراین نبوده و نیست. اوکراین در واقعیت به نیابت از سوی کشورهای عضو ناتو در جنگ است و هزینه‌های مالی و تسلیحاتی آن را نیز اروپا و آمریکا تقبل کرده‌اند. از دیدگاه قدرت‌های غربی، به‌ویژه اروپایی، به‌رغم تمام تلفات و خسارات سنگینی که این جنگ به بار آورده و حتی بر وضعیت اقتصادی و سیاسی خودشان هم تأثیر منفی برجای گذاشته، روسیه به هر قیمت نباید از این جنگ پیروز بیرون آید. نگرانی آن‌ها نیز ظاهراً از آنجاست که بیم دارند پیروزی روسیه در اوکراین باعث شود که بخواند غنائمی را که پس از فروپاشی شوروی در اروپای شرقی به دست آوردند، از آن‌ها باز پس گیرد. این سیاستی بود که تا پایان دوره ریاست جمهوری بایدن پیگیرانه ادامه یافت.

با به قدرت رسیدن مجدد ترامپ در آمریکا و سیاست‌هایی که در پیش گرفت، در درون قدرت‌های غربی شکاف ایجاد شد. ترامپ که دریافته بود امکان پیروزی برای اوکراین در این جنگ وجود ندارد، از اعطای کمک‌های مالی و تسلیحاتی پیشین که دولت آمریکا نقش اصلی را در تأمین آن‌ها بر عهده داشت، خودداری کرد و خواستار پایان جنگ شد. حتی برای جبران کمک‌های سه سال جنگ، خواستار واگذاری معادن گران‌بهای اوکراین شد که پس از یک کشمکش سرانجام آن را به دست آورد. با این‌همه، به سیاست خود برای توقف جنگ ادامه داد. اتحادیه اروپا در وضعیت دشواری قرار گرفت. از یکسو تأمین هزینه سنگین این جنگ از عهده اتحادیه اروپا به تنهایی ساخته نیست و علاوه بر این، در درون خود اتحادیه اروپا مخالفت با حمایت از اوکراین در حال افزایش است. از سوی دیگر به دلایلی که ذکر شد، نمی‌تواند به‌سادگی از سیاست خود دست بردارد.

به‌منظور غلبه بر این معضل، سران مهم‌ترین قدرت‌های اروپایی به‌ویژه انگلیس، فرانسه و آلمان در هفته‌های اخیر، چندین جلسه تشکیل دادند که نتیجه آن ادامه کمک‌های مالی و تسلیحاتی به اوکراین بوده است. در همان حال تصمیم گرفته‌اند بودجه‌های نظامی خود را به‌ویژه در پی اختلاف با دولت آمریکا افزایش دهند و استحکامات نظامی و دفاعی خود را در شهرها و مرزهای کشورهای اروپایی با چشم‌انداز وقوع یک جنگ بزرگ تقویت کنند. در پی این تصمیمات بود که دولت انگلیس آغاز به سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در صنایع نظامی این کشور کرد و هزینه‌های نظامی را تا سال ۲۰۲۷ به ۵ / ۲ درصد تولید ناخالص افزایش داد که به گفته وزیر دفاع این کشور بالاترین میزان افزایش بودجه دفاعی از پایان جنگ جهانی دوم است. وی این افزایش هزینه‌های نظامی را



ادامه جنگ در اوکراین

صدها هزار تن اوکراینی و روس انجامیده است. طرفین درگیر در این جنگ، چنانچه رسم دولت‌های ارتجاعی است، آمار دقیقی از تلفات و خسارات ارائه نداده‌اند. اما مراکزی که این آمار را جمع‌آوری می‌کنند، تعداد کشته‌ها و زخمی‌های نظامی و غیرنظامی را حدود یک میلیون ارزیابی کرده‌اند. همچنین تخمین زده می‌شود که تعداد کشته‌های نظامی هر یک از طرفین، متجاوز از صد هزار نفر است. در این فاصله تعداد آوارگان اوکراینی نیز از ۷ میلیون فراتر رفته است و با ادامه جنگ بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود. مناطق وسیعی از اوکراین، متجاوز از ۲۰ درصد خاک این کشور به اشغال روسیه درآمده و مناطقی نیز که هم‌اکنون نبرد بر سر آن‌ها در جریان است به ویرانه تبدیل شده‌اند. دلایل برپایی این جنگ، مثل هر جنگ و نزاع دیگر قدرت‌های امپریالیست، توسعه‌طلبی و

کسب مناطق نفوذ اقتصادی و سیاسی است. اگر زمینه‌های قدیمی‌تر این نزاع، گسترش ناتو به شرق اروپا پس از فروپاشی بلوک شرق را کنار بگذاریم، جنگ از نقطه‌ای آغاز شد که قدرت‌های اروپایی و آمریکا با سازمان‌دهی گروه‌های نازیست در اردوگاه‌های اروپای شرقی، رئیس‌جمهوری اوکراین طرفدار روسیه را در سال ۲۰۱۴ سرنگون کردند و حکومتی طرفدار غرب را بر سر کار آوردند. واکنش پوتین به این اقدام قدرت‌های غربی، الحاق کریمه به روسیه بود. دولت روسیه در همین حال به حمایت رسمی و علنی از روس‌های شرق اوکراین برخاست که خواستار جدایی از اوکراین بودند و بعداً جمهوری‌های دونتسک و لوهانسک را اعلام کردند. کشمکش‌ها ادامه یافت تا وقتی که موضوع پیوستن اوکراین به ناتو مطرح شد. واکنش

در صفحه ۱۱

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)
نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایند.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 1123 June 2025



تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای
زحمتکش و ستم دیده ای است که برای
آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، رفقا و همراهان گرامی

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی از ماهواره آلترناتیو شورایی از تاریخ جمعه اول فروردین ۱۴۰۴ تغییر خواهد کرد. ساعات جدید پخش برنامه‌های ما از اول فروردین بدین قرار است:

تلویزیون دمکراسی شورایی برنامه‌های روزانه خود را به مدت ۹۰ دقیقه در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت نه و نیم تا یازده شب به وقت ایران پخش می‌کند و تکرار این برنامه‌ها در روزهای سه‌شنبه، پنج‌شنبه، شنبه خواهد بود. تکرار برنامه‌ها از ساعت نه و نیم تا یازده صبح، سه و نیم تا پنج عصر و یازده تا دوازده و نیم شب به وقت ایران است. روز یکشنبه نیز برنامه ما به مدت یک ساعت از ساعت ده و نیم شب تا یازده و نیم خواهد بود. در روز دوشنبه سه بار نیز برنامه یکشنبه بازپخش می‌شود. برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی روی شبکه تلویزیون آلترناتیو شورایی از ماهواره "پاه ست" [Yahsat] پخش می‌شود.

برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می‌توانید از سایت سازمان فدائیان (اقلیت)، شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک، تلگرام، اینستاگرام، یوتیوب سازمان فدائیان (اقلیت) و تلویزیون دمکراسی شورایی نیز دنبال کنید.

آدرس تلویزیون دمکراسی شورایی در شبکه‌های اجتماعی:

یوتیوب: tvshora1349، اینستاگرام: tv_shora، فیس‌بوک: tvshora، تلگرام: tvshora
شماره واتس‌آپ برای پیام‌های صوتی و نوشتاری
0031644664405 (۰۰۳۱-۶۴۴۶۶۴۰۵)

آدرس تماس ای میل: tvshorashora@gmail.com

سایت تلویزیون: www.Tvshora.com

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی